

## حقیقت دینی حُب الوطن من الایمان

دکتور محمد فرید یونس

قبل از ظهور «نیشن سنتیت» در اروپا همه نقاط جهان قلمرو بود و درین قلمرو ها امپراطوری ها حکومت میکردند. ملت به شکل امروزی وجود نداشت. پاسپورت یا گذرنامه نبود و مردم از یک قلمرو به یک قلمرو دیگر آزادانه سفر میکردند، و بدون کدام اجازه رسمی مُقیم میشدند، تجارت میکردند و ازدواج می نمودند. پادشاهان برای استحکام سیاسی از یک قلمرو که تحت سلطه سیاسی شان نبود و یا میخواستند یک اتحاد سیاسی را به وجود بیاورند با یک زن از قلمرو مد نظر شان ازدواج میکردند. این ازدواج ها بار ها اتفاق افتاده است. مشهور ترین این ازدواج ها در جهان آن زمان، ازدواج شهزاده بانو ماری انتوانت از اتریش با پادشاه فرانسه لویی شانزده بود که در انقلاب کبیر فرانسه در میدان کانکورد شهر پاریس سر بریده شدند. به هر حال ظهور «نیشن سنتیت» یا دولت های ملی که بعد از انقلاب کبیر فرانسه اوج گرفت باعث به میان آمدن ناسیونالیزم یا ملیت گرایی و حُب وطن در اروپا شد که بعد ها دامنگیر مسلمانان گردید که مناطق زیاد تر به اساس زبان و فرهنگ مشترک از هم جدا گردید. یک عده دانشمندان تاریخ ظهور دولت های ملی را با به میان آمدن اقتصاد سیاسی، سرمایه داری، جغرافیای سیاسی و حتی کارتوگرافی قرن پانزدهم میدانند.

ملیت گرایی و حُب وطن یعنی دوستی سرزمین که زادگاه ماست که وجه مشترک فرهنگی داریم در قرن بیستم عواقب بسیار ناگوار داشت. دو جنگ جهانی اول و دوم زیاد تر منشاء ناسیونالیزم داشت. پاسپورت میراث جنگ جهانی اول است نه پیشتر از آن

استعمار جهانی که زیاد تر توسط انگلیس و فرانسه طرح ریزی میشد کوشش کرد تا مردم مسلمان را که اسلام آخوه خوانده بود به نام زبان، نژاد و فرهنگ بومی از هم جدا سازد و قومیت را دامن زند تا روش سیاسی استعماری را یعنی «تفرقه انداز و حکومت کن» به پیش برند. محمد ابن عبدالوهاب مؤسس فرقه وهابی را گفتند که محمد (ص) عربی بود و چطور امکان دارد که حرمین شرفین زیر دست مردم ترک باشد؟ او هم دست خود را با انگلیس برای از پا انداختن امپراطوری مسلمان عثمانی یکی کرد. و از همین جا بود که حُب وطن که مطلق در زمان پیامبر اسلام معنی دیگر داشت به معنی یک قطعه سرزمین که مردم وجه مشترک فرهنگی داشتند، تبدیل شد. وطن در دین به معنی آخرت است نه یک قطعه زمین که ما در آنجا تولد یافته ایم. قسمیکه گفتیم استعمار انگلیس و فرانسه در کنار محمد ابن عبدالوهاب در تبدیلی معنی حُب وطن نقش عمده بازی کرد و دوستی یک قطعه زمین که وجه مشترک زبانی و فرهنگی و حتی مذهبی داشت در مغزها تزریق گردید. همچنان، شیعه را بر علیه سنی و سنی را بر علیه شیعه تحریک کردند در حالیکه هر دو مسلمان و کلمه گوی بودند. امروز ما زیاد تر به افغانیت خود افتخار می کنیم ازینکه به ایمان خود افتخار کنیم. اسلام از روز اول ناسیونالیزم و ملت گرایی و حُب وطن را به اساس محدود بودن در یک قطعه زمین به نام زادگاه نفیه کرد و مردم را به اساس ایمان و تقوی متمایز ساخت نه اینکه از کدام نژاد و رنگ و پوست و زبان و مذهب باشد. با اینکه ما بیشرمانه قوم خود را بهتر از یک قوم دیگر میدانیم و اما ناگزیر هستیم که در وقت نماز یکجا در یک صف بایستیم زیرا در اسلام وقتی داخل مسجد می شوید قوم و نژاد و زبان شما دیگر مطرح نیست. حتی مطرح نیست که شما چه کاره هستید. فقیر ترین شخص حق دارد در صف اول بنشینند و اگر یک قدرتمند داخل مسجد ناوقت میرسد مجبور است در صف اخیر باشد. درین مکان یعنی مسجد دیگر مطرح نیست که شما از کدام کشور هستید. به یاد دارم در سال 1980 برای بار اول در مسجد واشنگتن دی سی نماز ادا کردم. از همه کشور ها مسلمانان حضور به هم رسانده بودند و در یک صف بدون تبعیض رنگ و پوست و ملیت و زبان همه باهم نماز خواندیم. در آن زمان من شاگرد جامعه شناسی بودم و با دیدن این صحنه اشک از چشمان من سرازیر شد که سبحان الله به عدالت تو ای پروردگار! اما متأسفانه بیرون از مسجد ما خود را به جای اینکه اول مسلمان گوئیم افغان و ایرانی و پاکستانی و مصری و غیره میدانیم و در عمل ما مسلمانان چنانچه در مسجد به یک صف می ایستیم، در یک صف منظم اتحادی دیگر قرار نداریم. نه تنها که استعمار مسلمانان را به نام حُب الوطن از هم تکه تکه و پارچه پارچه ساخت، یعنی مسلمان افغانی و ایرانی و عراقی و سوریبایی و غیره، این روند در مساجد ما هم بی تأثیر نماند و چند مسجد بعد ها که در آمریکا و اروپا انشعاب کردند به خاطر زبان و قومیت بود در حالیکه خداوند در سوره حجرات آیه سیزدهم می گوید يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَعُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِمْ خَبِيرٌ

یعنی ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را شعبه های [مردمی] و قبایل مختلف گردانیدیم تا یک دیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقوی ترین شماست. به یقین که خداوند دانا و آگاه است

آیه تذکار دارد نه تنها که اسلام قوم پرستی را محکوم میکند واضح می‌رساند که در اسلام هیچ قومی بر قومی بر تری ندارد به جز از تقوی و نزدیکترین شخص نزد خدا همان کسی است که تقوی پیشه کند. بلی! در اسلام حُب وطن مطلق یک معنی دیگر دارد که بعداً توضیح خواهیم داد. اول باید توضیح کنیم که چگونه اسلام ملیت گرای و ناسیونالیزم و حُب الوطن یعنی محدود بودن در یک توتّه زمین را به نام زادگاه نفیه میکند و معیار انسانیت

ایمان و تقوی را قرار میدهد. در آیه نود و هفتم سوره نساء میخوانیم که  
قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَتْ فَبَاجِرُوا فِيهَا  
گفتند: ما در سرزمین خود ناتوان و زیر فشار بودیم؛ فرشتگان گفتند مگر سرزمین خدا وسیع (پهناور) نبود تا شما در آن هجرت میکردید. این آیه بزرگترین آیه است که ایمان را بر محل زادگاه مقدم می‌شمارد و کرامت انسانی را در هجرت می‌پندارد که وقتی ظلم است دیگر آنجاییکه زندگی می‌کنید برای اهل ایمان نیست. تاریخ اسلام با هجرت آغاز می‌یابد زیرا هجرت انسان ساز است، هجرت پاسدار ایمان انسان مؤمن است و هجرت است که انسان درک حقیقت زندگی را می‌کند و بیدار میشود. در سوره آل عمران آیه یک صد و دهم میخوانیم  
: که می‌گوید

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

یعنی شما بهترین امتی هستید که برای مردمان پدید آمده‌اید به اعمال پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز میدارید و به خدا ایمان دارید". این آیه همه مسلمانان را از نگاه جامعه شناسی در مقابل همدیگر مسئول می‌سازد نه یک یک کشور خاص و یا گروه خاص را و مسلمانان را بهترین امت خطاب می‌کند. این مژده برای آنان است که ایمان آورده‌اند و اتحاد مسلمین، تعاون و همکاری و ایمان‌داری را محور روابط اجتماعی قرار میدهد. در

سوره حجرات آیه دهم میخوانیم که

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

مومنان با هم خواهر و برادرند، پس میان برادرانتان اصلاح بیاورید و از خدا بترسید امید که مورد رحمت قرار گیرید(دقت کنید که در تفاسیر کلاسیک خواهر را کشیده‌اند در حالیکه آخوه در زبان از آخ برای مذکر و اُخت برای مؤنث آمده است.) اینجا نه گفته است که شما خواهر و برادر همدیگر به حساب کشور تان هستید مگر به اساس ایمان همه مسلمانان با هم خواهر و برادرند. این آیه قوت ایمان را نشان میدهد که ایمان دیگر سرحد و یا مرز نه می‌شناسد. ما همه مسلمانان از هر کشور که فعلاً هستیم با هم در دین خواهر و برادریم. و اگر کسی یک مسلمان را به خاطر ملیت و زبان و نژاد و رنگ و پوست او می‌شناسد خلاف قرآن مجید رویه کرده است. این آیه نه تنها ناسیونالیزم را نفیه میکند و حُب یک قطعه زمین را به نام زادگاه رد میکند، سرحدات را در هم می‌شکند زیرا دین سرحد ندارد. طور مثال مسلمان سودانی برادر مسلمان افغانی و افغانی برادر ایرانی و ایرانی برادر مسلمان آمریکایی است و همه مسلمانان جهان با هم خواهر و برادرند. در سوره نساء آیه 125 میخوانیم که  
وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا  
یعنی و چه کسی در دین بهتر از آن کسی است که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار بود و از ملت ابراهیم حق گرا پیروی نمود؟ ابراهیمی که خداوند او را دوست گرفت.

ملت ابراهیم یعنی آیین ابراهیم که پدر توحید است و در حج ما را به اساس محور خدا پرستی دور هم به طواف و میدارد زیرا از مقام ابراهیم طواف شروع میشود. حج یکی از نمونه‌های دیگر است که رسالت توحید را ترسیم میکند و در آنجا دیگر زبان، قوم و نژاد و ملیت و جنسیت دیگر مطرح نیست و ما همه مسلمان هستیم و باید با قانون خدا زندگی کنیم اگر می‌خواهیم سعادت مند باشیم.

محمد مصطفی (ص) زمانی که مکه را با قشون عظیم فتح کرد همه کفار را مورد عفو قرار داد و کعبه را از بتان پاک و منزّه ساخت و دوباره عازم مدینه شد و در زادگاهش باقی نماند. این خود، بزرگترین پند تاریخ است که رسالت تاریخی را که بنیان‌گذاری توحید در مکه بود استوار ساخت و اما در زادگاهش نیاید. این عمل

پیشوای اسلام حُب زادگاه را نفیہ میکند. جالب اینکه وقتی پیامبر (ص) رحلت کردند در خانه بی بی عایشه بود و در همانجا جهان را وداع کرد و در همان جا دفن شد. در شریعت اسلام است که وقتی کسی وفات میکند باید در همان دیار دفن شود و اینکه بعضی ها وصیت میکنند که جسد او را به افغانستان و یا ایران نقل دهند غیر شرعی است. وطن در دین روز آخرت است نه کشور زادگاه که امروز همه به آن معترف اند و آن حدیث که امروز آنرا به نام وطن زادگاه می‌شناسد هدف آن روز آخرت است نه چیز دیگر. در کتاب مشهور مرصاد العباد اثر شیخ نجم الدین رازی متوفی 654 هجری قمری میخوانیم که

«اینها را که بروزگار دنیا مشغولند یادشان ده آن روز های خدای تعالی که در جوار حضرت و مقام قربت بودند باشد که باز آن مهر و محبت در ایشان بجنبد دیگر باره قصد آشیانه اصلی و وطن حقیقی کنند لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. اگر محبت آن وطن در دل بجنبد عین ایمانست (حُب الوطن من الایمان) و اگر نجنبد و طلب مراجعت نکند و دل درینجهان ببندد نشان بی ایمانست» (صفحه 59).

قدرت‌های بزرگ می‌خواهد که ما همیشه در نفاق باشیم. ما باید با دیگر مسلمانان در نفاق باشیم. ازین نفاق بسیار سود می‌برند. ما باید ایمان خود را تقویه کنیم. هر فرد افغانستان را خواهر و برادر خود بشناسیم و از طریق عشق به خدا زادگاه خود را آباد کنیم وطن برستی یعنی آخرت را برای خود خانه امن بسازیم زیرا ما همه جواب دادنی هستیم. نفاق و تبعیض وقتی از بین می‌رود که ما نه به اساس قومیت و زبان و نژاد بلکه ایمان راسخ به خداوند دست به دست هم دهیم

و من الله توفیق

هفتم رمضان المبارک 1439